گفت: «علم آن، در کتابى نزد پروردگار من است. پروردگارم نه خطا مى‌کند و نه فراموش مى‌نماید.» (52) همان کسى که زمین را برایتان گهواره‌اى ساخت، و براى شما در آن، راهها ترسیم کرد و از آسمان آبى فرود آورد، پس به وسیله آن رستنیهاى گوناگون، جفت جفت بیرون آوردیم. (53) بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعاً در اینها براى خردمندان نشانه‌هایى است. (54) از این [زمین‌] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمى‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون مى‌آوریم. (55) در حقیقت، [ما] همه آیات خود را به [فرعون‌] نشان دادیم، ولى [او آنها را] دروغ پنداشت و نپذیرفت. (56) گفت: «اى موسى، آمده‌اى تا با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنى؟ (57) ما [هم‌] قطعاً براى تو سحرى مثل آن خواهیم آورد، پس میان ما و خودت موعدى بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو، [آن هم‌] در جایى هموار.» (58) [موسى‌] گفت: «موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد مى‌آیند.» (59) پس فرعون رفت و [همه‌] نیرنگ خود را گرد آورد و بازآمد. (60) موسى به [ساحران‌] گفت: «واى بر شما، به خدا دروغ مبندید که شما را به عذابى [سخت‌] هلاک مى‌کند، و هر که دروغ بندد نومید مى‌گردد.» (61) [ساحران‌] میان خود، در باره کارشان به نزاع برخاستند و به نجوا پرداختند. (62) [فرعونیان‌] گفتند: «قطعاً این دو تن ساحرند [و] مى‌خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند، و آیین والاى شما را براندازند.» (63) پس نیرنگ خود را گرد آورید و به صف پیش آیید. در حقیقت، امروز هر که فایق آید خوشبخت مى‌شود.» (64)